

بررسی هنر ترکیب‌سازی وحید قزوینی در ۲۰ صفحه اول منشآت از لحاظ بلاغی و دستوری

وحید رزاقی^۱، حمیدرضا فرضی^{۲*} و رستم امانی^۳

چکیده

ساخت ترکیبات تازه را می‌توان از برجسته‌ترین هنرنمایی‌های شعرا و نویسندگان در برخورد با زبان دانست. ترکیب‌سازی از امکانات زبانی است که از به هم پیوستن دو اسم یا اسم و صفت، کلمه جدیدی به وجود می‌آید. یکی از نویسندگانی که توجه زیادی به ترکیب‌سازی نشان داده، وحید قزوینی است. پرسش پژوهش حاضر این که، ترکیبات منشآت قزوینی کدامند و بسامدشان چقدر است؟ در این مقاله نویسندگان، هنر ترکیب‌سازی او را در ۲۰ صفحه اول منشآت بررسی کرده و فرض را بر این نهاده‌اند که برجسته‌ترین ویژگی سبکی این کتاب ترکیب‌سازی است. بر اساس ایده مذکور و با بررسی ۲۰ صفحه اول کتاب که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، این فرضیه به اثبات می‌رسد. وحید قزوینی، هم از کلمات مرکب و هم از ترکیبات اضافی استفاده کرده و در مجموع ۷۴۴ ترکیب در ۲۰ صفحه به کار برده است. ساخت این ترکیبات با این بسامد که اکثراً هم تازگی دارند، باعث آشنایی‌زدایی در متن شده است. به گونه‌ای که می‌توان این ویژگی را وجه غالب و شاخصه سبکی منشآت دانست. بسامد بالای ترکیبات انتزاعی، نوآوری در ساخت ترکیبات، استفاده از زبان غیرمستقیم (ادبی) و تأثیرپذیری نویسنده از ایدئولوژی قدرت و بازتاب آن در کلام وی به سبب حضور در دربار حاکم از نتایج دیگر این مقاله می‌تواند باشد.

کلید واژه‌ها: وحید قزوینی، منشآت، ترکیبات، آشنایی‌زدایی، ویژگی سبکی.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

vahid_razzaghi2002@yahoo.com

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

farzi@iaut.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

rostam90@ymail.com

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

وصول: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

مقدمه

از میرزا محمدطاهر وحید قزوینی، شاعر و نویسنده معروف عهد صفوی، آثار زیادی به نظم و نثر باقی مانده است؛ «منشآت» او علی‌رغم داشتن اهمیت ادبی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، هنوز در ایران به زیور طبع آراسته نشده و نگارنده این سطور کار تصحیح این کتاب را براساس نسخه‌های معتبر به عنوان رساله دکتری در پیش گرفته است.

چنانکه ذکر شد، منشآت، یکی از برجسته‌ترین آثار وحید قزوینی، طبق سنت منشیان درباری به سبک مصنوع نوشته شده است. از بارزترین و پربسامدترین ویژگی‌های این کتاب، توجه نویسنده آن به بحث ترکیبات از قبیل ترکیبات وصفی، انواع ترکیبات اضافی، ترکیبات وابسته و وابسته، کلمات مرکب، ترکیبات عربی و ... می‌باشد که در این پژوهش به سبب محدودیت حجم مقاله، بیست صفحه اول آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

با توجه به این پیش‌فرض که وحید قزوینی توجه خاصی به ترکیب‌سازی داشته و وجود ترکیبات گوناگون از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبکی منشآت اوست، مسأله و پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که ترکیبات به کار رفته در (۲۰ صفحه اول) منشآت کدامند و بسامدشان چقدر است؟ و اینکه توجه او به ترکیب‌سازی که منجر به برجستگی خاص این ویژگی شده با کدام دیدگاه صورت‌گرایان همسویی دارد؟ هدف اصلی از انجام این تحقیق این است که ترکیبات (۲۰ صفحه اول) منشآت قزوینی استخراج و نوع آنها مشخص و طبقه‌بندی شود و بسامد آنها تعیین و همسویی وحید قزوینی در توجه به این ویژگی با دیدگاه‌های صورت‌گرایان روس تبیین گردد.

پیشینه تحقیق

در باره منشآت وحید قزوینی، کارهای خیلی کمی صورت گرفته است؛ رزاقی و همکاران (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی منشآت وحید قزوینی» نوشته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سبک نوشتاری وحید قزوینی، ادامه سبک منشیان و دبیران درباری است که به شیوه کاملاً فنی و مصنوع نوشته شده و گرایش به سادگی در آن دیده نمی‌شود. همو و همکاران

(۱۴۰۰) در مقاله دیگری با عنوان «منشآت وحید قزوینی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن» به مختصات جمله‌ها، مختصات لفظی و مختصات ادبی و هنری منشآت پرداخته و به کثرت لغات عربی، مترادفات لغوی، ترکیبی و جمله‌ای که زمینه‌ساز اطناب شده، اشاره کرده‌اند. درباره آثار منظوم وحید قزوینی نیز کارهای محدودی صورت گرفته است؛ از جمله صدرایی (۱۳۸۹) سبک قصاید وحید قزوینی را با آوردن نمونه‌هایی تحلیل کرده است. همو (۱۳۹۱) توصیف را در قصاید او بررسی کرده است. همو (۱۳۹۵) زبان و ساختار غزلیات او را تحلیل کرده و سبک آن را متأثر از شاعر هم عصر، صائب تبریزی و شعرای پیشین به‌ویژه سعدی، انوری و نظامی دانسته است. علاوه بر این موارد، راستگوفر و سام خانیانی (۱۳۹۰) مثنوی «خلوت راز» را از لحاظ سبک‌شناسی بررسی کرده و به نوآوری‌های ادبی آن اشاره کرده‌اند.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

کتاب‌های «منشآت» از دیدگاه‌های مختلف به‌ویژه دیدگاه ادبی، ارزش و اهمیت بالایی دارند. درباره منشآت وحید قزوینی، از دیدگاه ترکیبات، کاری صورت نگرفته است. با بررسی ترکیبات - که برجسته‌ترین ویژگی سبکی این کتاب است - به دنیای نویسنده و نوع تفکر او دست پیدا می‌کنیم و اهمیت این تحقیق مشخص و ضرورت انجام آن احساس می‌شود.

روش تحقیق

روش پژوهشگر در این پژوهش، کیفی و مطالعه منابع و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است؛ به این ترتیب که پس از مطالعه کتاب منشآت وحید قزوینی، ترکیبات (۲۰ صفحه اول) آن استخراج و فیش‌برداری شده، سپس فیش‌ها دسته‌بندی و اطلاعات به دست آمده تجزیه و تحلیل شده است.

بحث و بررسی

۱- معرفی و حید قزوینی و آثار او: میرزا طاهر قزوینی متخلص به «وحید» از جمله شاعران و منشیان معروف عهد صفوی بوده که در مراتب دیوانی تا مرتبهٔ صدارت ارتقا جسته است. وی پس از دانش‌اندوزی و کسب مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمت‌های دیوانی گردید و در شمار دفترنویسان دیوان درآمد تا اینکه در دوران صدارت «ساروتقی» وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم به دستگیری او برگزیده شد و در سال ۱۱۰۱ با لقب اعتمادالدوله وزیر اعظم شاه سلیمان شد. (ر.ک. صفا، ۱۳۶۸: ج ۵/۲: ۱۳۴۷)

از وحید قزوینی آثار زیادی به نظم و نثر به شرح زیر باقی مانده است:

آثار منظوم: ۱- دیوان ۲- خلوت راز ۳- عاشق و معشوق ۴- فتح‌نامه ۵- مثنوی آلات جنگی ۶- در وصف طنبور ۷- در تعریف خرد ۸- در تعریف عمارت شاهی ۹- در وصف همایون‌تپه اشرف ۱۰- گلزار عباسی ۱۱- ساقی‌نامه. آثار منثور: ۱- تاریخ جهان‌آرای عباسی (عباس‌نامه) ۲- منشآت ۳- الاصول الخمسه (اصول‌الدین) ۴- رساله‌ای در علم حساب ۵- حاشیه‌ای بر تخلص مقالات ارسطو از ابن رشد ۶- مرآت‌الاعجاز ۷- خوشنویسی. (ر.ک. سعادت، ۱۳۹۵: ۶۷۷-۶۷۳)

۲- منشآت: منشآت مجموعهٔ نامه‌های (اعم از دیوانی و اخوانی) وحید قزوینی به احتمال زیاد در زمان حیاتش جمع‌آوری شده و بنابه اشارهٔ شاملو مورد توجه و اقبال اهل عصر بوده است (ر.ک: شاملو، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۱). اینکه خودش نامه‌ها را جمع‌آوری کرده یا کسی دیگر، مشخص نیست. اقبال و توجه علاقه‌مندان به منشآت وحید قزوینی، باعث شده است که نسخه‌های خطی متعددی از آن ترتیب داده شود؛ در این میان نسخه‌ای که در این پژوهش اساس کار ما قرار گرفته، نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شورای ملی با شمارهٔ ۲۲۶۰ و تاریخ کتابت ۱۱۲۵ هجری قمری، دارای ۶۴۸ صفحه است. این نسخه ۲۱۸ مکتوب فارسی، ۳۰ مکتوب ترکی و ۲۰ مکتوب عربی دارد.

۳- آشنایی زدایی: آشنایی‌زدایی «اصطلاحی است که در مکتب شکل‌گرایان روسی به کار می‌رود و یکی از مهم‌ترین نظریه‌های این مکتب نقد محسوب می‌شود. آشنایی‌زدایی یعنی تازه، نو، غریبه و متفاوت کردن آنچه آشنا و شناخته شده است. نویسنده و شاعر از طریق آشنایی‌زدایی،

دریافت‌های عادی خواننده را تغییر می‌دهند و این همان کاری است که به آن تکنیک ادبی می‌گویند». (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۱)

به نظر سیما داد، آشنایی‌زدایی شگردی است که سبب می‌شود کهنه و عادت، بار دیگر نو به نظر برسد. (ر.ک: داد، ۱۳۸۳: ۴) به نظر اشکوفسکی آشنایی‌زدایی در ادبیات در سه سطح عمل می‌کند: در سطح زبان، در سطح مفهوم و در سطح اشکال ادبی. (ر.ک. مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۳) میرصادقی نیز یکی از راه‌های آشنایی‌زدایی را ساختن ترکیبات تازه از طریق پیوند دادن کلمات متداول می‌داند. به اعتقاد او، این ترکیب‌ها، علاوه بر این که کلمات تشکیل دهنده خود را از حالت عادی و معمول خارج می‌کنند و به آن‌ها معنا و مفهوم تازه‌ای می‌بخشند اغلب تصویرهای زیبا، بیشتر از نوع تشبیه یا استعاره، در ذهن خواننده به وجود می‌آورند. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۲) ترکیب‌سازی‌های وحید قزوینی در منشآت، از مقوله آشنایی‌زدایی است که در سطح زبان عمل کرده و با نظر میرصادقی که یکی از راه‌های آشنایی‌زدایی را ساخت ترکیبات تازه می‌داند، کاملاً مطابقت دارد.

۴- **رستاخیز کلمات:** به نظر شفیع کدکنی، اصطلاح رستاخیز کلمات، از ابداعات شاعر فرانسوی، مالارمه، است ولی صورت تحلیلی و نظریه پردازانه آن، محصول کارگاه ذوق و اندیشه صورت‌گرایان روس است. به اعتقاد صورت‌گرایان، کلمات در زبان روزمره، حالات مرده و غیرفعال به خود می‌گیرند اما بواسطه کاربرد شاعر و نویسنده، آن مردگی و ناکارایی، چهره عوض می‌کند و با حیاتی نو وارد زندگی و محیط هنری عصر می‌شود. (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۳۱) یکی از راه‌های رستاخیز کلمات، کاربرد آن‌ها در ترکیبات تازه است تا از حالت کهنگی و غیرفعال و تکراری بودن خارج شوند که در منشآت وحید قزوینی نیز با این رویکرد مواجه هستیم؛ به این صورت که او از کلمات عادی و روزمره، ترکیبات جدیدی ساخته و با برجسته کردن زبان، باعث جلب توجه به آن شده است تا خواننده با درک و دریافت آن که البته با دشواری همراه است، لذت ببرد.

۵- **وجه غالب:** وجه غالب یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرمالیست‌ها است که آن را نخستین بار، رومن یاکوبسن در سال ۱۹۲۵ مطرح کرد. به اعتقاد فرمالیست‌ها، اگر به انواع ادبی

توجه کنیم در بطن آن‌ها یک ویژگی صوری و ساختاری وجود دارد که بر دیگر اجزاء سایه می‌افکند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ویژگی همان وجه غالب است؛ اگر وجه غالب نباشد کلیت و وحدت هماهنگ اثر یا آثار دوره‌ای خاص، تضمین نمی‌شود. وجه غالب مهم‌ترین و گریزناپذیرترین بخش هر اثر هنری است. هر چند ممکن است وجوه و الگوهای گوناگونی در یک اثر یا آثار یک دوره، وجود داشته باشند اما همواره یک وجه غالب بر دیگر وجوه سلطه می‌یابد. (ر.ک. قاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۱) وجه غالب همان نکته‌ای است که محمود عبادیان از آن با عنوان شاخصه سبکی یاد می‌کند که عبارت از بسامد، توزیع و نسبت عناصر سبکی است که در مجموع خود به سبک سخن یک متن، شاخصیت سبکی می‌دهد (ر.ک. عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۴). با توجه به این دیدگاه، ترکیبات منشآت و حید قزوینی، وجه غالب و ویژگی برجسته سبکی آن است و سایر ویژگی‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و بر آنها سایه افکنده است.

۶- ترکیبات: ترکیبات از انواع واژه‌ها هستند. با توجه به اینکه بسیاری، سبک را همان هنر واژه‌گزینی دانسته‌اند و در مطالعه سبک‌ها بیش از هر چیز به واژگان توجه کرده‌اند، بنابراین مطالعه ترکیبات یک متن در شناخت سبک آن نقش بسزایی دارد؛ فتوحی در این مورد می‌نویسد: «بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها ایستا و منجمد نیستند. بلکه جان‌دار و پویایند، تاریخ و زندگی‌نامه دارند، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، ... واژه‌ها در گذر تاریخ نیرومند می‌شوند و نیروی خود را از دست می‌دهند، پوست می‌اندازند، فرسوده و نخ‌نما و منسوخ می‌شوند؛ گاهی دوباره زنده می‌شوند و تغییر معنی می‌دهند. واژه‌ها از نظر ویژگی‌های ساختمانی، گونه‌های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع‌اند». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۹) ساختن ترکیبات تازه، باعث گریز از هنجار عادی زبان و تمایز سبکی شاعر و نویسنده می‌شود؛ به این صورت که براساس امکانات واژه‌سازی، صورت زبانی تازه‌ای می‌سازد که قبل از آن در زبان سابقه نداشته است. «وقتی نویسنده یا شاعر در ضرب واژه‌های جدید و بی‌سابقه کارش را تداوم بخشد، به هنجار آفرینی زبانی دست می‌یابد و جلوه ویژه‌ای به سبک خود می‌دهد و احیاناً برای نویسنده سبک تازه‌ای رقم می‌زند». (همان: ۲۵۸)

ترکیباتی که در منشآت (۲۰ صفحه اول) به کار رفته‌اند، بسامد بالایی دارند و در ساختار سخن متن، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند که در ادامه و ذیل عناوینی با این شرح بررسی شده‌اند: کلمات مرکب (کلمات مرکب فارسی)؛ ترکیبات عربی (صفت فاعلی مرکب مرخم و صفت مفعولی مرکب مرخم)؛ ترکیبات اضافی (اضافه‌های وصفی، توضیحی، تخصیصی، تشبیهی و استعاری)؛ وابسته و وابسته مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه و ترکیب مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه).

۱-۶- کلمات مرکب: کلمات مرکب در منشآت وحید قزوینی بسامد بالایی دارند و بیشترین خلاقیت نویسنده و تازگی‌های سبک او در ساختن این ترکیبات نمودار گشته است؛ نویسنده، این ترکیبات را بیشتر در وصف مخاطب نامه یا در وصف خود نامه، ساخته و به کار برده است.

الف: کلمات مرکب فارسی: والجاه، اسلام‌پناه، شیرین‌کام (۲)؛ خلدآشیان، جنت‌مکان، صاف‌اعتقاد (۳)؛ جلات‌شعار، یک‌جهتان (۴)؛ خلدمشاکل، ارم‌نظیر، گرامی‌مکتوب، بدایع‌اسلوب (۵)؛ فرخنده‌آثار، والاشان، سعادت‌نشان، کیمیاثر (۷)؛ مؤالفت‌عنوان، مودت‌ختامه، آسمان‌رفعت، قضاقدرت، خورشیدطلعت، مشتری‌رایت (۸)؛ امدقرین، عبیرآگین، ارم‌تزیین، اعجاز‌طراز (۹)؛ خورشیدسیمما، آسمان‌سما، دوستی‌ذخایر، نصرت‌توآمان (۱۰)؛ سیلاب‌سرعت، دریاشور، ابدفروغ، عنبرشمیم، غالیه‌نسیم، غفران‌پناه، خلدآرامگاه، آسمان‌اساس (۱۱)؛ بیداردل (۱۲)؛ مودت‌عنوان، نصرت‌نشان، جان‌نثار، آسمان‌پیوند، سراسر‌سرور، بلنداقبال، همایون‌فال (۱۳)؛ صداقت‌مخایل، سلطنت‌پناه، خورشیدآثر، اکسیر‌خواص، والانهمت، آسمان‌رفعت، ثعالب‌خدیعت، خلوددوام، والاتبار، خوش‌وقت، حقیقت‌مناظر، طوفان‌رسیده (۱۴)؛ نم‌دیده، والامقام، سلطنت‌پناه (۱۵)؛ محبت‌تخمیر، دوستی‌ذخایر، گردون‌نشان، محبت‌آغاز، مودت‌انجام، اتحاد‌اسلوب، بلاغت‌نظام، عنایت‌شمیم، آسمان‌سما (۱۶)؛ نصرت‌آثار، ناخوش‌منظر، قوی‌بازو، حمیت‌کیش (۱۷)؛ عداوت‌ذخایر، مودت‌تخمیر، گردون‌مدار، فیروزی‌شعار، خدیعت‌شعار، سلطنت‌پناه، خدیعت‌نهاد (۱۸)؛ شیرین‌کام، عنایت‌مشحون، آسمان‌کریاس، سعادت‌اشتمال، سراسر‌سرور، آسمان‌پیوند، عالی‌جاه، ابدقرین (۱۹)؛ بستان‌سرا، سراسر‌بهار، سراسر‌نگار، ظفر‌توآمان، زبان‌زد، اعجاز‌بیان، مودت‌عنوان، صداقت‌رسوم، جهان‌مطاع (۲۰).

تعداد این ترکیبات که از ترکیب دو اسم یا یک اسم + یک صفت ساخته شده‌اند، با احتساب ترکیبات تکراری، ۹۸ مورد در ۲۰ صفحه است؛ یعنی تقریباً در هر صفحه ۵ مورد از این ترکیبات به کار رفته است.

ب: کلمات مرکب فارسی که به صورت اسم مصدر هستند: یکتادلی، یک‌جهتی (۳)؛ یکتادلی (۵)؛ بزم‌افروزی، نشأیابی (۷)؛ یکتادلی (۹)؛ مددکاری (۱۰)؛ کام‌جویی (۱۱)؛ حمد‌سگالی، سپاس‌داری (۱۲)؛ ملک‌داری، گیتی‌ستانی (۱۴)؛ مطلب‌روایی (۱۵)؛ فرمان‌فرمایی (۱۷)؛ دوست‌کامی، خوش‌وقتی (۱۹)؛ مجلس‌آرایی، یکتادلی، یک‌جهتی و مطلب‌روایی (۲۰).

تعداد این ترکیبات نیز در ۲۰ صفحه، ۲۰ مورد است؛ یعنی در هر صفحه یک مورد با احتساب ترکیبات تکراری.

ج: کلمات مرکب که به صورت صفت فاعلی مرکب مرخم هستند: گلدسته‌بند (۱)؛ سامعه-افروز (۳)؛ ندامت‌پژوه (۴)؛ نقش‌نگار، روشنائی‌بخش، زینت‌افزا، پیش‌رس، زینت‌بخش (۵)؛ جهان-آرا، تیرگی‌اندوز، عالم‌افروز (۶)؛ طرز‌دان، فیض‌گستر (۷)؛ ظلم‌زدای، زنگ‌زدای، حقیقت‌نما، چمن-پیرا، زینت‌بخش، عالم‌افروز، دشمن‌شکار (۸)؛ باده‌کش، باده‌گسار، زبان‌دان، دورگرد، محبت‌آمیز، صداقت‌انگیز (۹)؛ خلافت‌نشان، انجمن‌افروز، فروغ‌بخش، مطلب‌نگار، قدرشناس (۱۱)؛ مکروه‌نما، دانش‌اندوز (۱۲)؛ زبان‌دان، جان‌فشان (۱۳)؛ فیض‌گستر، دقیقه‌شناس (۱۴)؛ اهتزاز‌بخش، سلسله-جنبان (۱۶)؛ بادپیما، خلافت‌نشان، گردنشان، پرده‌پوش، غیرت‌اندیش (۱۷)؛ پیش‌رس (۱۸)؛ پیش-رس، جهان‌نما، چمن‌آرا، طراوت‌بخش، نبض‌شناس، سایه‌نشین (۱۹)؛ درست‌اندیش، گل‌چین (۲۰).
تعداد این ترکیبات ۵۳ مورد در ۲۰ صفحه، یعنی یک مقدار کمتر از ۳ مورد در هر صفحه است.

د: صفت مفعولی مرکب مرخم: مرارت‌آمود (۲)؛ گل‌آلود، کدورت‌اندود (۱۲).

ه: کلمات مرکب که با ساخت زبان عربی به کار رفته‌اند: مظهرالعجایب، مفرق‌الکتایب، امام‌المتقین، یعسوب‌الدین، یوم‌الدین (۲)؛ صادق‌الولا (۳)؛ واجب‌الرعیه، فسیح‌الفضا (۴)؛ صحیفه‌الوداد، عذیم‌الهمال (۵)؛ فصیح‌البیان، صادق‌الولا (۶)؛ فایض‌الانوار، فوق‌الغایه (۷)؛ سلطان‌البرین، قاخان‌البحرین، خادم‌الحرمین‌الشریفین (۸)؛ بیت‌المعمور، زبده‌الامثال، عمده‌الاقران،

لازم الاعزاز (۹)؛ کامل الصفات، مرضیه السجیات، مقرب الحضرة، يوم النشور (۱۰)؛ دارالقرار (۱۳)؛ ثانی اثنین، واجب الاداء، قرین الشرف (۱۵)؛ کریه الهیئه (۱۷)؛ نصب العین، واجب الامتثال، متحد القول، موافق الفعل (۱۸)؛ علی مرآل زمان، علی اسرع الحال (۱۹)؛ ذی الجلال، لازم الاتباع (۲۰).
تعداد این ترکیبات نیز ۳۸ مورد در ۲۰ صفحه؛ یعنی تقریباً ۲ مورد در هر صفحه است.

جدول شماره ۱ - کلمات مرکب

تعداد در ۲۰ صفحه	نوع کلمات مرکب
۹۸	کلمات مرکب فارسی (دو اسم یا یک اسم + یک صفت)
۲۰	اسم مصدر
۵۳	صفت فاعلی مرکب مرخم
۳	صفت مفعولی مرکب مرخم
۳۸	کلمات مرکب با ساخت عربی
۲۱۲	جمع

تعداد کل این گونه ترکیبات در ۲۰ صفحه، ۲۱۲ مورد و در هر صفحه بیش از ۱۰ مورد است؛ در ساخت این ترکیبات نکات زیر جالب توجه می باشد: نویسنده برای ساخت آن‌ها از عناصر دینی (دین اسلام)، عناصر طبیعت، اشیاء گران قیمت و اشرافی، اصطلاحات درباری و دیوانی و ... بهره گرفته است. ترکیبات حاوی واژه‌های ذهنی نسبت به ترکیبات دارای واژه‌های عینی بسامد بیشتری دارند و همین مسأله، انتزاعی شدن سبک را نشان می دهد؛ چرا که «واژه‌های ذهنی تیره ترند چون تصویر روشنی از مدلول خود را در ذهن خواننده حاضر نمی کنند... شفافیت سبک ادبی و تأثیر هنری آن ناشی از غلبه واژه‌های حسی است و تیرگی و ابهام سبک، محصول بسامد بالای واژه‌های ذهنی». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۱) ترکیباتی چون جلالت شعار، خلدمشاکل، بدایع اسلوب، سعادت نشان، قضا قدرت، اعجاز طراز، دوستی ذخایر، نصرت توأمان، مودت عنوان، صداقت مخایل و ... از واژه‌های ذهنی هستند که تصویر روشنی از مدلول خود به خواننده انتقال نمی دهند و همین مسأله باعث دشواری سبک و تیرگی و ابهام آن می شود. در بسیاری موارد، شاهد خلاقیت و ابداع

نویسنده هستیم که سعی دارد با ساخت ترکیبات جدید، هنجار عادی زبان را بشکند و وارد حیطة هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی شود؛ در ترکیباتی چون صداقت‌رسوم، اعجازیبیان، مودت‌عنوان، خدیعت‌نهاد، سعادت‌اشتمال، عداوت‌ذخایر، عنایت‌مشحون و ... تازگی و نوآوری نویسنده در ساخت واژه‌ها به چشم می‌خورد. از لحاظ صراحت و پوشیدگی، زبان نویسنده در ساخت واژه‌ها گرایش به پوشیدگی (استفاده از امکانات زبان کنایی و استعاری) دارد و به نوعی می‌توان گفت که نویسنده از زبان غیرمستقیم (ادبی) بهره برده است که در بخش ترکیبات اضافی، این مسأله بیشتر تحلیل خواهد شد. نکته آخر اینکه هیچ اثری از عامیانگی و محاوره‌ای بودن در زبان نویسنده نیست و کاملاً با یک نوشته رسمی درباری رودررو هستیم که واژگان از شکوه و هیمنه دربار برخوردار هستند و نزدیکی نویسنده به منبع قدرت (پادشاه و دربار) و ارتباط با آن‌ها باعث شده است که از ایدئولوژی قدرت تأثیر بپذیرد و رمزگان و اشارات مربوط به آن‌ها را از قبیل صفات و القاب و ... در نوشته خود به کار ببرد.

۶-۲- ترکیبات اضافی

الف: **اضافه وصفی** (موصوف و صفت): گل‌های رعنا، بادام دومغز (۲)؛ مجلس‌سامی، محفل‌گرامی، گروه مخدول، جهان‌جهان بدنامی (۳)؛ فدویان جلالت‌شعار، امر واجب‌الرعایه (۴)؛ بزم ارم‌نظیر، ساعتی مسعود، زمانی محمود (۵)؛ خاطر خطیر معلی، مهر فروزان، خاطر والا (۶)؛ خاطر همایون، گوشه مختصر بکر (۷)؛ ضمیر انور، طبع فیض‌گستر، نامه موافقت‌عنوان مودت‌ختمه (۸)؛ سعادات ارضی و سماوی، فیوضات الهی، صحیفه اعجاز‌طراز لازم‌الاعزاز (۹)؛ خدمت والا، حریم خورشیدسیمای آسمان‌سما، امر مزبور، تنگنای پر شر و شور، ممالک بیکران (۱۰)؛ عهد و پیمان سابق، نامه مودت‌ختمه (۱۱)؛ صلاهی عام، امر مکروه‌نما، همت والا (۱۲)؛ عساکر - نصرت‌نشان، جمعیت مزبور، جنود جان‌نثار، نامه اعجاز‌طراز لازم‌الاعزاز، موبک مسعود، خاطر آسمان‌پیوند، ایلچی زبان‌دان، سلاطین بلنداقبال، خسروان همایون‌فال (۱۳)؛ کواکب درخشان، مهرفروزان، شمایل صداقت‌مخایل سلطنت‌پناه، خاطر خطیر آسمان‌رفعت، همت والانهمت، خاطر حقیقت‌مناظر، کشتی طوفان‌رسیده (۱۴)؛ گوهر گران‌بها، نواب کامیاب همایون، عساکر بی‌شمار

(۱۵)؛ نامه محبت آغاز مودت انجام، عنایت سبحانی، مکتوب اتحاد اسلوب بلاغت نظام، طبع والای آسمان سما (۱۶)؛ اعادی بادپیما، نسبتی زاید (۱۷)؛ گروه غدار، ضمیر مودت تخمیر، نامه همایون، پادشاهان سلف (۱۸)؛ خاطر همایون، ضمیر عنایت مشحون، اسلوبی خاص، خاطر والا، طبع آسمان پیوند، ضمیر ارجمند (۱۹)؛ ساعتی مرغوب، حدیقه سراسر بهار، نسخه منتخب، عزم درست اندیش، ارقام جهان مطاع، مناشیر لازم الاتباع (۲۰).

در ۲۰ صفحه اول منشآت ۷۴ مورد ترکیب اضافی وصفی و در هر صفحه تقریباً ۳/۵ ترکیب وجود دارد؛ در اکثر ترکیبات موصوف با یک صفت و در مواردی اندک با دو صفت آمده است.

حدوداً ساختمان $\frac{۲}{۳}$ صفت‌ها ساده و $\frac{۱}{۳}$ صفت‌ها مرکب است. کثرت صفات به کار رفته بر نزدیکی نویسنده به مرکز قدرت دلالت دارد که از آن تأثیر پذیرفته و با توجه به موقعیتی که داشته مجبور بوده است برای خوشایند درباریان (پادشاه و غیر او) با آوردن صفات مختلف آن‌ها را توصیف کند در حالی که گاهی آن‌ها شایسته این صفات نبودند.

ب: **اضافه توضیحی:** سبیل تعاقب (۱)؛ برگریز هر خزانی، ناگواری مقدمات، ذریعه یکتادلی، رقیمه یک‌جهتی (۲)؛ فرستادن نمودج (۴)؛ حامل صحیفه‌الوداد (۵)؛ تقالیب ادوار و ازمان، وقوع کسوفات، نقصان ضیا و بها، غبارآلود کلفت (۶)؛ حافظ و ناصر بلاد و عباد (۸)؛ اقرب ازمنه، زیادتی احمال و اثقال، اخف و جوه، شیوع قنور (۱۰)؛ افراد موجودات، آحاد مکونات (۱۲)؛ ممالک خراسان (۱۳)؛ دوری بقاع، پایمردی غیرت (۱۴)؛ بخشنده مقاصد (۱۵)؛ صیت نیک‌نامی (۱۶)؛ تلافی مافات، تدارک ناکرده (۱۷)؛ لازمه امداد و اعانت، آیت قضا، طریقه دوستی، خطوات قدم (۱۸)؛ قرین مسرت (۱۹).

تعداد ترکیبات اضافی توضیحی ۳۰ مورد در ۲۰ صفحه اول است؛ یعنی در هر صفحه ۱/۵ ترکیب به کار رفته است.

ج: **اضافه تخصیصی:** شاهدان چمن، گل‌های اردیبهشت (۲)؛ والی هندوستان (۱۰)؛ فرمانروایان دکن، اوتار ساز، مخالف شاهین و شهباز (۱۵).

تعداد این ترکیبات فقط ۶ مورد است و دارای بسامد اندک که در تحلیل سبکی نقشی ندارد.

د: اضافه تشبیهی: کاخ وجود، نسیم ثنا، پرده اختفا، نقاب خفا، مخدرات ازهار، حدیقه نعت، مهر خاموشی (۱)؛ حدیقه کن فکان، بساط نعت، مرآت ضمیر، گلشن امکان، سلطان بهار، مرآت رضا (۲)؛ غمام غموم، صبح تعیش، سپهر عظمت، سماء برتری، وسط‌السماء دولت جاوید، ریاض آرزو، ذروه والایی (۳)؛ دارالقرار قندهار، خرمن جمعیت (۴)؛ لوح آمال، صحیفه اقبال، حدیقه دوستی، ثمر پیشرس یکتایی، خمکده ائتلاف، میخانه مودت، شاهد کامجویی، ساقی آمال، باده وصول (۵)؛ مرآت ضمیر والا، مشرب عذب توکل (۶)؛ اساس یک جهتی (۷)؛ شوایب وقوع حوادث، آفتاب حصول آمال، افق اقبال، بهارستان یگانگی و التیام، مجموعه دوستی و ولا، حدیقه صدق و صفا، آینه حقیقت نمای ملت، حدیقه همیشه بهار دولت و دین، بوستان عدالت، گوهر مخزون اوامر حضرت حق، تخم مطالب و آمال، غایبات شہامت و بسالت (۸)؛ بساط عدل و احسان، الویه بر و امتنان، بیت المعمور حصول مقاصد و مآرب، مقالید الطاف خالق آسمان و زمین، زنگار عوایق و موانع، مصقل توصیفات گوناگون، مرآت جمال، شاهد مرام، بساط دوستی، مدام دوام بندگی، رحیق یکتادلی و اتحاد، گلستان خلّت، تخم محبت و مودت، بزم دوستی (۹)؛ محک وقوع، شاهد اخبار، پیرایه صدق (۱۰)؛ کوکب سعادت، آفتاب عنایت، حدایق دوستی جاودانی، شمع انجمن افروز ابد فروغ الفاظ و معانی، حدایق کامجویی، بزم یک‌جهتی، محفل یگانگی (۱۱)؛ کاخ مردم‌نشین هستی، آب روان عمر گذران، کارخانه حکمت بالغه مصلحت‌سنج، اکیلیل اعتبار، گرد وجود، نسیم حوادث، لباس هستی، رشته بی‌بقایی و بی‌ثباتی، منهل عذب تسلیم و رضا، شاهد مدعا، کسوت وقوع (۱۲)؛ دارالقرار قندهار، طلسم نیرنگ (۱۳)؛ قلم زبان تیغ، بنای ملک داری، اقطار امطار تعاقب حوادث (۱۴)؛ جنس عزیز شهرت و نام، دین واجب الادای تلافی و تدارک، سلسله دوستی قدیم، شاهراه اتحاد، حدیقه سلطنت، بوستان خلافت، شراره دولت اشرار (۱۵)؛ موقف ابلاغ و اعلام، لباس کامجویی، ازهار اظهار موافقت، انوار اعضان یگانگی، عرایس و داد سابق، باده کامیابی و کامرانی، زیور شاهد مطلب روایی، بوستان سرای خاطر، گل‌های نقوش و حروف، گلستان دقایق حقایق (۱۶)؛ نقود دوستی، غبار فتنه و فساد، رخسار پردگیان افعال زشت، زلال استمداد و اعانت، غبار کدورت، سپرداری وقایت و حمایت، بساط جسارت، لباس دارایی، جبل‌المتین الطاف (۱۷)؛ تیغ مکافات، روزنامه تسلط اعادی (۱۸)؛ نهال پیوند دوستی جاوید، جام

جهان‌نمای عوالم محبت‌سدید، بهارستان اتحاد و التیام، گل‌های بسام آغاز و انجام، نقود بی‌غش پیغام دوستی و صداقت (۱۹)؛ شاهد کامیابی، هر هفت کمال، ابواب هشت‌بهشت مطلب‌روایی، بستان‌سرای یکتادلی، ریاحین ریاض مضامین، ریاض‌آشنایی، بوی بهار یک‌جهتی و یگانگی، صفه بار ضمیر آسمان‌پیوند، بیت مظاهرت و معاضدت (۲۰).

تعداد ترکیبات اضافی تشبیهی ۱۲۹ مورد در ۲۰ صفحه، یعنی بیش از ۶ مورد در هر صفحه است. بسامد بالای این نوع ترکیبات (اضافه تشبیهی) بیانگر توجه نویسنده به جنبه ادبی متن و استفاده از زبان غیرمستقیم برای بیان مطلب است.

نویسنده مواد تشبیهات را اکثراً از طبیعت، دربار و عناصر مربوط به آن، اشیای مورد استفاده در زندگی روزمره و خوردنی‌ها گرفته است. بیش از ۹۰ درصد مشبّه‌به‌ها حسّی است که با توجه به ابهام موجود در متن، به شفافیت و روشنی آن کمک شایانی می‌کند. بیشتر مشبّه‌به‌ها اسم نوع و به تعبیری دیگر عام هستند و این مسأله باعث ابهام و پوشیدگی متن می‌شود چرا که در کلی‌گویی و عام‌گرایی اطلاعات اندکی به خواننده داده می‌شود و «هر چه واژه خاص‌تر می‌شود اطلاعات بیشتری درباره شکل، اندازه، مزه و رنگ پدیده‌ها به ما می‌دهد و به ادراک تصویری چنگ می‌اندازد و تصویر زنده‌تری ارائه می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۲). نمونه‌های زیر تعدادی از این مشبّه‌به‌های عام و کلی هستند: کاخ، حدیقه، سلطان، غمام، خمکده، میخانه، مشرب، غابات (جنگل‌ها)، شمع، ازهار و ... در بین ترکیبات اضافی تشبیهی، در مواردی با خلاقیت و ابداع نویسنده مواجه هستیم که تازگی و لذت خاصی به متن می‌دهد؛ از جمله: مخدرات ازهار، پردگیان افعال زشت، زلال استمداد، شاهد مرام، لباس کامجویی، طلسم نیرنگ و ... در برخی از این ترکیبات تشبیهی با نوعی ارتباط آوایی کلمات مواجه هستیم که شفیع کدکنی از آن به جادوی مجاورت تعبیر می‌کند و اعتقاد دارد که جادوی مجاورت یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تأثیرات زبانی و شیوه‌های بلاغی است (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۰۹). این جادوی مجاورت یا افسون‌همنشینی را در ترکیباتی چون: نسیم ثنا، غمام غموم، ریاض آرزو، مدام دوام بندگی، لباس هستی، شراره دولت اشرا، ازهار اظهار موافقت و ... می‌توان مشاهده کرد.

هـ: **اضافه استعاری:** خامه داستان طراز، چهره آرا (۱)؛ شاخسار زندگانی، گریه هر سحاب، اقدام سیول، ذائقه مضایقه، حلاوت نتایج (۲)؛ ذائقه نشاط (۵)؛ دماغ انتعاش، خامه فصیح البیان، چهره اقتدار (۶)؛ مسامع اطلاع (۷)؛ روایح حسن (۸)؛ روایح مصادقت، مشام یک‌جهتی (۹)؛ مسامع جاه و جلال (۱۰)؛ چشم امید، دیده هفت اورنگ، چهره امانی و آمال (۱۱)؛ نظر تحقیق، دیده تأمل، گریبان اکمام، دست نسایم بهاری (۱۲)؛ چیره‌دستی اقبال بی‌زوال (۱۳)؛ رقبه مردی، اوراق خلود دوام لیلی و ایام (۱۴)؛ رفیق چنگ، ذمت همت، کام مطلب‌روایی (۱۵)؛ مبانی معاضدت، روایح مطالب، روایح استقامت (۱۶)؛ اساس برتری و شرف (۱۷)؛ قوایم سلطنت، مبانی ائتلاف، زبان قلم (۱۸)؛ اساس آسمان‌کریاس دوستی (۱۹)؛ موافقت هفت‌اختر، کام مؤالفت (۲۰).

تعداد ترکیبات اضافی استعاری ۳۹ مورد در ۲۰ صفحه، یعنی حدود ۲ ترکیب در هر صفحه است. که در مقایسه با اضافه‌های تشبیهی بسامد بالایی نمی‌تواند باشد؛ اکثر این اضافه‌های استعاری از نوع تشخیص و انسان‌مانندی هستند که این مسأله باعث افزایش بار ادبی و شاعرانگی متن می‌شود.

جدول شماره ۲ - ترکیبات اضافی

ترکیبات اضافی	تعداد در ۲۰ صفحه
اضافه وصفی	۷۴
اضافه توضیحی	۳۰
اضافه تخصیصی	۶
اضافه تشبیهی	۱۲۹
اضافه استعاری	۳۹
جمع	۲۸۱

تعداد کل ترکیبات اضافی ۲۷۸ مورد در ۲۰ صفحه، یعنی حدود ۱۴ ترکیب در هر صفحه است.

۳-۶- ترکیبات وابسته و وابسته: در گروه‌های اسمی وابستگی، گاهی وابسته‌ها (صفت و مضاف‌الیه) برای خودشان وابسته می‌گیرند که در دستور جدید از آن‌ها به وابسته و وابسته تعبیر

می‌کنند؛ این وابسته و وابسته‌ها عبارتند از: مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، قید صفت، صفت صفت و ممیز.

فرشیدورد در دستور مفصل امروز، ذیل عنوان «گروه‌های اسمی وابستگی سه جزئی یا بیشتر» از این موضوع بحث کرده و نوشته است: «گاهی گروه اسمی وابستگی از سه جزء یا بیشتر به وجود می‌آید؛ برای مثال از مضاف و مضاف‌الیه و مضاف‌الیه مضاف‌الیه یا از اسم و صفت و مضاف‌الیه یا از مضاف و مضاف‌الیه و صفت آن» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۶۹). مشکوه‌الدینی نیز در بحث «وابسته اسمی» به این موضوع اشاره کرده و نوشته است: در صورت‌های پیچیده گروه اسمی، گاهی چند وابسته اسمی به طور پیاپی در قشرهای تو در تو به طور سلسله مراتبی به یکدیگر مرتبط می‌شوند؛ در این گروه‌ها، هر وابسته در درون گروه اسمی پیشین خود جای می‌گیرد به گونه‌ای که هر گروه اسمی به گروه اسمی پیشین خود وابسته است. (ر.ک. مشکوه‌الدینی ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۵۹)

در منشآت وحید قزوینی، از این گروه‌های اسمی وابسته (وابسته وابسته) دو نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه با بسامد بالایی به کار رفته است؛ البته ما در ذیل سه عنوان، آن‌ها را بررسی می‌کنیم: مضاف‌الیه مضاف‌الیه؛ صفت مضاف‌الیه؛ مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه (یعنی ترکیباتی که بیش از سه جزء هستند و در آن‌ها هم مضاف‌الیه مضاف‌الیه وجود دارد هم صفت مضاف‌الیه).

الف: مضاف‌الیه مضاف‌الیه:

مفتاح گنجینه مقال، منشأ نظام مهام انام (۱)؛ بسط بساط نعت سید انبیا، فراش راه سلطان بهار، مایه نشو و نما می‌خورد نهالان، تماشا می‌آید سخن وقوع احکام خدا (۲)؛ توکم غمام غموم، مهر سماء برتری، شایسته شیوه دوستی، مناسب شمیة صدق، اورنگ سلطنت ایران، تصرف والی هندوستان، (۳)؛ هوس استرداد دارالقرار قندهار، آتش افروز هنگامه گیر و دار، عون عنایت حضرت رحمان، محاربه تیره روزان هندوستان، احراز توفیقات یک جهتان، منشأ ابتهاج دوستان، عالم رسوخ محبت و صداقت، استحکام قواعد التیام و موافقت، امتعه کشور فتوحات (۴)؛ باقی شروح یگانگی، نقش نگار الواح آفرینش، روشنایی بخش دیده بینش، تماثیل حصول مآرب، نوباوه حدیقه دوستی،

رحیق خمکده ائتلاف، سرجوش میخانه مودت (۵)؛ شورش احوال و اوضاع هندوستان، آینه حقایق نمای اشیا، رنگ چهره اقتدار، عنایات خالق ارض و سما (۶)؛ مناسب شیمه و داد، ملایم طریق دوستی، بزم افروزی مجلس انس دوستان، عون عنایت خالق انس و جان، واقف رموز سلطنت و جلالت، نگاه‌داری سررشته رسوم و آداب خدمت (۷)؛ شمامه جامعه روایح حسن آغاز و انجام، گلدسته بهارستان یگانگی، منتخب مجموعه دوستی و ولا، طراز وساده ذات سعادت جهانبانی، بهار عالم افروز بوستان عدالت، هزبر دشمن‌شکار غابات شهامت، حارث تخم مطالب و آمال افراد خلایق (۸)؛ باسط بساط عدل و احسان، ناشر الویه بر و امتنان، ابواب بیت‌المعمور حصول مقاصد و مآرب، مقالید الطاف خالق آسمان و زمین، مرآت جمال شاهد مرام، دورگردان بساط دوستی، طالب رخصت یار، باده‌کشان محفل اطاعت، مدام دوام بندگی، زبان‌دان رموز و داد، ساقی رحیق یکتادلی، ترصیص اساس دوستی، منبت تخم محبت و مودت، کثرت نشیب و فراز طریق (۹)؛ سررشته قبض و بسط امور، قبضه اختیار و اقتدار مدبر سنین و شهور، کارپرداز مصالح جمهور (۱۰)؛ فروغ‌بخش دیده هفت‌اورنگ، ازهار حدایق کامجویی (۱۱)؛ تقدیم مراسم تهنیت، احراز سعادت ملاقات، لازم مراتب یگانگی، موافق خواهش دوستان، طلسم نیرنگ حاسدان (۱۳)؛ ارض مقدسه نوع انسان، مانع رسیدن شعاع، اقطار امطار تعاقب حوادث (۱۴)؛ سالک شاه‌راه اتحاد، منظور انظار عنایت کردگار، نیروی عنایات جاعل ارضین (۱۵)؛ ابواب خواهش مدعیات، واقفان رموز رسالت، زیور شاهد مطلب‌روایی، نشر روایح مطالب، زمان حاجت‌مندی دوستان (۱۶)؛ محک عیار نقود دوستی، تهیج غبار فتنه، تأسیس اساس برتری و شرف، قوایم سریر سلطنت فرمان‌فرمایی هندوستان، حبل‌المتین الطاف جاعل آسمان و زمین (۱۷)؛ بغض شیعیان آل اطهار، اسم والی بیجاپور، ترصیص مبانی ائتلاف (۱۸)؛ رسانیدن مژده دوستکامی، چمن‌آرای بهارستان اتحاد و التیام، میانجی نبض‌شناس شخص حجاب و سفارت (۱۹)؛ مشاطگی الطاف حضرت ذی‌الجلال، نمودار دامن گلچین، گلچین ریاحین ریاض مضامین، بنای بیت مظاهر و معاضدت (۲۰).

ب: صفت مضاف‌الیه:

رحلت اسلاف کرام، روایح جان‌بخش گل‌های محمّدی، زبردستی معجزات باهرات (۱)؛ سرمایه خنده‌سوزش، اقدام سیاحت بهاری، شکرین گام شکر الهی (۲)؛ اهل‌الهی این قضیه نامرضی، محرمان سراق عظمت، انتزاع ملک موروثی (۳)؛ محاربه آن هر دو صندل‌الیه صوبه، میامن توفیقات سبحانی، تادیب آن قوم، اعلام این عطیه، روانه بزم والا جناب معلی، ارسال محفل خلد مشاگل (۴)؛ نیرنگی چرخ گردان، زبان زد خامه فصیح‌البیان، احتجاب غیوم متراکمات، حرکات ناهنجار چرخ دوار، دوستی دوستان صادق‌الولا، عون الطاف الهی، طلوع صبح پرنور، پراکندگی ابرهای تیرگی اندوز، چهره مهر عالم‌افروز (۶)؛ شوق ملاقات فایض‌الانوار، دیدن دیدار فرخنده‌آثار، کیفیت ملاقات سعادت‌نشان، متمنیات خاطر والا، منظور نظر کیمیاثر، احراز این سعادت (۷)؛ گزارش کلمات محبت‌آمیز، دوری و صعوبت آن فج عمیق (۹)؛ پسند خاطر دوستی ذخایر، استعلام این مطلب اتم و امر اهم، وقوع حوادث نزدیک و دور (۱۰)؛ مریدان و معتقدان دودمان خلافت‌نشان، ارسال لشکر سیلاب‌سرعت دریاشور، ابواب فیوضات الهی، قضیه ناگزیر پادشاه غفران‌پناه، زبان زد خامه مطلب‌نگار، ملال ضمیر آسمان‌اساس قدرشناس (۱۱)؛ آب روان عمر گذران، آمد و رفت انفاس گرامی، شیوه بیداردلان دانش‌اندوز (۱۲)؛ سرکردگی فدویان جان‌فشان، اطراف و اکناف ممالک محروسه، کل عساکر منصوره (۱۳)؛ پیش‌دیده دقیقه‌شناس اکسیر خواص، همگی همّت والانهمت، نگونسازی دشمنان غدار بدکردار (۱۴)؛ افزایش نسبتی مجدد، روانه آن حدود، کار ابر مدار (۱۵)؛ مکنونات ضمیر محبت‌تخمیر، مخزونات خاطر دوستی ذخایر، سلسله‌جنبان دوستی قدیم، انبساط خاطر معلی (۱۶)؛ پرده‌پوش رخساران ناخوش منظران کریمه‌الهیّه، مؤالفت سلاطین سلف، مظاهرت الطاف بیکران، شایسته همّت غیرت‌اندیش، ناموس سلطنت حمیت‌کیش، پیروی اعتقاد راسخ (۱۷)؛ نصب‌العین خاطر عداوت‌ذخایر، غائله این معنی، عون عنایت الهی منتسبان دولت گردون‌مدار فیروزی‌شعار، تدمیر و نگونساری اعادی خدیعت‌شعار، حکم ثمر پیش‌رس، دفع اعادی خدیعت‌نهاد، معاضدت این اتحاد (۱۸)؛ ثمرات گوناگون این بوستان، حقیقت حال سعادت-اشتمال، پیوند اتحادی مجدد، مرغوبات ضمیر والا، کارگزاران دولت ابد‌قرین (۱۹)؛ مجلس‌آرای اقبال بی‌زوال، منتخب نسخه‌غرایب سراسر‌نگار، دست دریافت والا، فرستادن سپاه ظفرتوآمان،

زبان زرد خامهٔ اعجاز بیان، ورود رقیمهٔ مودت‌عنوان، سایر مفاوضات صداقت‌رسوم، پیش‌بینی ذهن مستقیم (۲۰).

۳- مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه + صفت مضاف‌آلیه:

انامل تقدیم محمدهٔ قدیمی، دولت اخلاف سلاطین والا مقام، دعائم کاخ وجود انسان خاکی، خاتم مملکت و ایل آلبای عظام، زبان بیان عین‌البیخ خوش‌الحان، گلدستهٔ جسد الفدادت جهاد و جهاد مختلفه (۱)؛ طی طریق محمدهٔ جناب کبریای احدیت، مقتضای حکم محتوم قضا، فحوای حکمت بالغهٔ خالق ارض و سما (۲)؛ رهگذر وقوع قضیهٔ جانگزای سلطان خلدآشیان جنت‌مکان، صبح تعیش دوستان صاف‌اعتقاد، استوای آن شمس سپهر‌عظمت، ارتقای آن اختر برج بی‌مثالی، ایام جلوس این دوست صادق‌الولا (۳)؛ نیروی الطاف بی‌غایات ملک منان، صرصر خرمن جمعیت آن لشکر بی‌حد و مر، مطالعهٔ نسخهٔ غرایب صنع الهی، اجناس ملک فسیح‌الفضای ایران (۴)؛ صحیفهٔ اقبال آن زینت‌افزای و سادهٔ جاه، شمع لگن آن خسرو عظیم‌الهمال، کیفیت بادهٔ رسیدهٔ رسیدن آن زینت‌بخش دیهیم و گاه (۵)؛ حوالی ممالک بیکران دوستان هواخواه، منشأ زوال فروغ جهان‌آرا (۶)؛ ثمرهٔ شجرهٔ همیشه‌بهار حدیقهٔ صدق و صفا، زینت‌بخش رایک والای سلطنت و خاقانی، تیزی تیغ ظلم‌زدای غزوات و جهاد، چمن‌پیرای حدیقهٔ همیشه‌بهار دولت و دین (۸)؛ روی اولیای دولت آمدقرین، باعث تشیید صداقت محکم‌بنا، روایح ازاهیر آن گلستان خلت (۹)؛ کیفیت صحت ذات کامل‌الصفات مرضیهٔ السجیات، خبر رحلت مسافر راه دور یوم‌النشور، اختلاف دواعی اولاد والی مزبور (۱۰)؛ رهگذر اعانت شاهزادهٔ مزبور، شمیم بهارستان حدایق دوستی جاودانی (۱۱)؛ بنای کاخ مردم‌نشین هستی (۱۲)؛ وجود اشتغال اشغال بیکران گیتی‌ستانی، ربقهٔ اطاعت خصم ثعالب- حدیعت، قلم زبان تیغ زمرّدفام، انتظام امور سلطنت آن والاتبار (۱۴)؛ آباء کرام آن والامقام، محرک سلسلهٔ دوستی قدیم، تزیین آن بنای مشید، حلاوت اثمار والای حدیقهٔ سلطنت، کام مطلب‌روایی اکثر سلاطین، اطفای شرارهٔ دولت اشرار خاکسار (۱۶)؛ مفاتیح السنهٔ اقلام عبرفام، ایستادگان پایهٔ سریر گردون‌نشان، پیرایهٔ عروس و داد سابق، مشید بنای معاضدت لاحق، اهتزاز گل‌های بستان‌سرای خاطر عنایت‌شمیم، گل‌های حروف و نقوش آن گلستان دقایق حقایق، روایح

استقامت مزاج و هاج (۱۶)؛ رخسار پردگیان افعال زشت، گردنشان آن غبار کدورت، سپرداری و قایت و حمایت عساکر نصرت آثار، لباس دارایی والی آن دیار (۱۷)؛ آثار میلان خاطر اقدس و طبع مقدس (۱۸)؛ اساس آسمان کریاس دوستی سلاطین سلف، بساط گسترده آن مسافران حظایر قدسی، روانه بزم حضور سراسر سرور، کیفیت سلامتی مزاج و هاج، سایه نشین عنایات حضرت سبحانی، حاوی موجبات سعادت دوجهرانی، ثمر پیش‌رس نهال پیوند دوستی جاوید، جام جهان‌نمای عوالم محبت سدید، طراوت‌بخش گل‌های بسام آغاز و انجام، امین نقود بی‌غش پیغام دوستی و صداقت (۱۹)؛ شایسته خدمت سلاطین ذی‌شان، روی ملتزمان بساط سلطنت والا، گل‌های بیگانه آن ریاض آشنایی، فتوای مفتی عهد قدیم (۲۰).

تعداد ترکیبات مضاف‌الیه مضاف‌الیه ۹۵ مورد در ۲۰ صفحه، یعنی نزدیک ۵ مورد در هر صفحه است؛ تعداد ترکیبات صفت مضاف‌الیه ۸۴ مورد، یعنی بیش از ۴ ترکیب در هر صفحه و تعداد ترکیبات مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه ۷۲ مورد یعنی بیش از ۳/۵ ترکیب در هر صفحه است.

جدول شماره ۳- ترکیبات وابسته وابسته

تعداد در ۲۰ صفحه	ترکیبات وابسته وابسته
۹۵	مضاف‌الیه مضاف‌الیه
۸۴	صفت مضاف‌الیه
۷۲	مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه
۲۵۱	جمع

با توجه به جدول فوق، جمعاً ۲۵۱ ترکیب وابسته وابسته در ۲۰ صفحه اول منشآت یعنی در هر صفحه حدوداً ۱۲/۵ ترکیب به کار رفته، که بسامد بالایی است؛ بالا بودن بسامد این گونه ترکیبات بیانگر فشردگی متن و ابهام و دشواری درک آن است؛ چون نویسنده با آوردن این ترکیبات، از استعمال برخی امکانات زبانی صرف نظر می‌کند و همین مسأله بر ابهام آن می‌افزاید؛ در مواردی این ترکیبات بیش از سه جزء دارند که گاهی به پنج یا شش جزء می‌رسند و این مسأله منجر به «تتابع اضافات» می‌شود که در کتب بلاغی قدیم جزء ایرادات فصاحت مطرح شده و با

اینکه در کتب بلاغت جدید جزو محسنات کلام (واج آرایبی) قلمداد شده، اما حق این است که در منشآت و حید قزوینی، مانعی برای درک بهتر معنا و از ایرادات فصاحت است؛ مانند نمونه‌های زیر: صرصرِ خرمنِ جمعیتِ آن لشکرِ بی حد و مر (۴)؛ کیفیتِ باده رسیده رسیدنِ آن زینت‌افزایِ وساده‌ جاه (۵)، زلالِ استمداد و اعانتِ منصوبانِ دودمانِ خلافت‌نشان (۱۷)، استحکامِ قوایم سلطنتِ آن شایسته صنوف عنایت (۱۸)، خواهشمندِ سرعتِ ورودِ مژده خوشوقتیِ آن عالیجاه (۱۹) و ... چنانکه ذکر شد بسامد این‌گونه ترکیبات در متن منشآت بالاست و از ویژگی‌های برجسته سبکی آن است که فرمالیست‌ها از آن به وجه غالب تعبیر می‌کنند. اما در مورد تحلیل این ترکیبات از دیدگاه‌های مختلف، همان نکاتی که در ترکیبات اضافی مطرح کردیم در مورد این‌ها نیز صدق می‌کند.

جدول شماره ۴- کلمات مرکب، ترکیبات اضافی و ترکیبات وابسته وابسته

نوع	تعداد در ۲۰ صفحه
کلمات مرکب	۲۱۲
ترکیبات اضافی	۲۸۱
ترکیبات وابسته وابسته	۲۵۱
جمع	۷۴۴

نتیجه‌گیری

وحید قزوینی اثر برجسته خود، «منشآت» را طبق سنت منشیان درباری به سبک مصنوع نوشته است؛ وی در متن منشآت توجه خاصی به ترکیب‌سازی نشان داده و این ترکیبات را به صورت کلمات مرکب، ترکیبات اضافی و ترکیبات وابسته با بسامد بالا در متن منشآت به کار برده است. براساس تحقیقی که ما در ۲۰ صفحه اول منشآت انجام دادیم تعداد کلمات مرکب (کلمات مرکب فارسی، اسم مصدر، صفت فاعلی مرکب مرخم، صفت مفعولی مرکب مرخم و کلمات مرکب با ساخت عربی) ۲۱۲ مورد، تعداد ترکیبات اضافی (اضافه‌های وصفی، توضیحی، تخصیصی، تشبیهی و استعاری) ۲۱۸ مورد و تعداد ترکیبات وابسته (مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه) ۲۵۱ مورد و مجموع این سه، ۷۴۴ مورد است که بسامد بالایی است.

وحید قزوینی با ایجاد ترکیبات نوساخت وارد مقوله آشنایی زدایی شده و با رستخیز کلمات به اصطلاح صورت‌تگرایان روس، زبان را از حالت تکراری و روزمره خارج کرده و باعث برجستگی آن شده است. بنابراین ترکیب‌سازی را می‌توان وجه غالب و شاخصه سبکی منشآت وحید قزوینی به حساب آورد.

و نهایتاً این که ترکیبات انتزاعی و ذهنی بسامد بیشتری دارند و همین مسأله باعث تیرگی و عدم شفافیت متن شده است. در مواردی با خلاقیت و ابداع نویسنده در ساخت ترکیبات مواجه هستیم. نویسنده از زبان غیرمستقیم (ادبی) استفاده کرده و نزدیکی نویسنده به منبع قدرت و حکومت باعث شده است که از ایدئولوژی قدرت تأثیر بپذیرد و رمزگان و اشارات مربوط به آنها را از قبیل صفات و القاب و ... در نوشته خود به کار ببرد.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- داد، سیما، (۱۳۸۳)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- ۲- سعادت، اسماعیل، (۱۳۹۵)، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۳- شاملو، ولی قلی‌خان، (۱۳۷۴)، *قصص الخاقانی*، به تصحیح سیدحسن سادات ناصری، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *رستاخیز کلمات*، چاپ اول، تهران: سخن
- ۵- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ سوم، تهران: فردوس.
- ۶- عبادیان، محمود، (۱۳۷۲)، *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*، چاپ دوم، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۷- فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۸- فرشید ورد، خسرو، (۱۳۸۲)، *دستور مفصل امروز*، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۹- قاسمی‌پور، قدرت، (۱۳۹۱)، *صورت‌گرایی و ساخت‌گرایی در ادبیات*، چاپ اول، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۱۰- مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۸۷)، *دستور زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- ۱۱- مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۴)، *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۱۲- میرصادقی، میمنت، (۱۳۸۵)، *واژه‌نامه هنر شاعری*، چاپ سوم، تهران: کتاب مه‌ناز.
- ۱۳- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، (بی‌تا)، *منشآت*، تهران: نسخه خطی مجلس شورای ملی به شماره ۲۲۶۰.